

دکتر رضا نوربها



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

«شکنجه»

در کنوانسیون ۱۹۸۴

سازمان ملل متحد

لسانہ فلسفہ



پروفیسر گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

« دلچسپ نکتہ »

۱۸۶۱ ڈی ڈی ایس ایف

ملکتہ اللہ نالہ

تبدیل آن به ال هجنته که تنسیب تشبیه رب ربی است. «هجنته»
 و مسجبه ز لوجه و رحمان ز لهلشفه بیهیقه و رامشه از نآع الداهیه که
 ۲. بدناحتساء

و نالایه هجنته و نالایه هجنته نالیه رحمانه نالیه ۲.
 تشبیه ربی به ربی در هجنته رحمانه هجنته تشبیه ز لهنه نالیه نالیه
 سفیقه ز لرحمانه هجنته و لرحمانه هجنته و تشبیه لرحمانه
 ز لهلشفه بیهیقه و بقیه ز لهلشفه بیهیقه و تشبیه ز لهلشفه
 لرحمانه و لرحمانه هجنته هجنته هجنته هجنته هجنته
 نیش ز لهلشفه و لرحمانه هجنته و لرحمانه هجنته
 قابل و بگفتند هجنته ز لهلشفه هجنته هجنته هجنته

• مقدمه

۱. نگاهی هرچند کوتاه به حلقه های تاریخ و سرگذشت
 انسان در طول قرون و گذری هرچند مختصر بر رفتارهای بشر نسبت به
 ابنای خود، مؤید شدت این رفتارها در موارد بسیار و گواه عدم صداقت
 برخی از انسانها بر ادعای تساوی حقوق بشر، برابری و عدالت در
 زمانهای گوناگون است؛ بویژه هنگامی که برخی از افراد بشر که زمام
 اختیار دیگران را در دست دارند، لذت حکومت وادازشان سازد که
 برای بقای خویش و تثبیت استقرار و قوام قدرت و دولت خود، از مسیر
 عدالت خارج شوند و در مورد مخالفان خود دست به اعمالی بزنند که
 وجدانهای پاک را می آزارد و دلهای بیدار را به درد می آورد.

هرچند این اعمال گاه جنبه خنثی کننده دارد، اما غالباً اعمالی
 سرکوبگر است که به طور خفیف یا شدید یا نوعی تحقیر، ناسزا، حمله،
 تهاجم و ایراد ضرب و جرح نسبت به مخالفان توأم است و عنوان

«شکنجه» دارد. پس بی جهت نیست که شکنجه را ابزار قدرت نامیده‌اند^۱ و آن را مشتمل بر تحقیر، فشارهای روانی و رنجهای جسمی دانسته‌اند.^۲

۲. جدال دائمی میان شکنجه‌کنندگان و شکنجه‌شوندگان و طرفداران آنها نه تنها از طبیعت شکنجه ناشی می‌شود که بی تردید سخت و جانکاه است و باید مورد نكوهش قرار گیرد بلکه ناشی از تعریف شکنجه نیز هست که طبق سلیقه‌های مختلف و برحسب اندیشه‌های گوناگون، تغییر می‌کند. بحث شکنجه چه در مجامع داخلی و یا قانونگذاریهای مختلف و چه در مراجع بین‌المللی و با تکیه بر حقوق بشر، همیشه بحثی داغ و پرجنبال بوده، زیرا بحث از شکنجه گفتگو دربارهٔ انسان است و آزار جسمی و روانی او.

کنوانسیون بین‌المللی ضد شکنجه تحت عنوان طولانی «کنوانسیون ضد شکنجه و دیگر مجازاتها یا رفتارهای وحشیانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده» که در سال ۱۹۸۴ به تصویب دولتهای عضو سازمان ملل رسیده، نشانه‌ای است از این توجه به احترام وجود بشری و نیز هشدار است برای شکنجه‌کنندگان.^۳

مروری کوتاه بر سابقهٔ این کنوانسیون و تحلیل برخی از مواد اساسی و مهم آن موضوع این مقاله است.

1. et 2. Amnesty international: La torture, instrument de pouvoir, fleau a combattre, p. 12 a 13.

3. Convention contre la torture et autres peines ou traitements cruels inhumains ou dégradants.

۴. این کنوانسیون طبق قطعنامهٔ ۳۹/۴۶ مورخ ۱۰/۱۲/۱۹۸۴ مجمع عمومی سازمان ملل تصویب شده است.



سابقه تاریخی کنوانسیون ۱۹۸۴

۳. اهمیت وجود انسانی و لزوم توجه به حیثیت و تمامیت جسمی و روانی او و جلوگیری از انهدام و تخریب این وجود مسأله تازه‌ای نیست. علمای حقوق، اخلاق و ادیان به نوعی و جامعه‌شناسان به نوعی دیگر بدین نکته توجه داشته‌اند که نباید و نشاید موجودات بشری را چون اشیاء تصور کرد و با آنها بدانسان رفتار نمود که با موجودات بیجان بدیهی است مسأله عنوان شده نه از قلمرو مکانی همگانی برخوردار است و نه از قلمرو زمانی مشخص. در دیدگاه‌های مختلف، حتی اعمال مجازاتهای شدید، به معنای عدم قبح شکنجه نبوده است و لذا تعجب آور نیست که می‌بینیم حتی نزد پیشگامان کیفرهای سخت و شدت عمل، شکنجه تقبیح شده و کوشش زیادی به عمل آمده است تا وجه فارقی میان مجازات و شکنجه ایجاد کنند. مطالعات فرنگی

صرف نظر از توجه به انسان و تعالی او می‌توان گفت بحث شکنجه از زمانی آغاز شد که انسان در مقابل انسان دیگر رفتار خود را نه بر مبنای اصول اخلاقی و اعتقادی، بلکه بر پایه برتری جویی و قدرت طلبی تنظیم و تطبیق می‌کند.^۵ انسان تابع غرایز کور، انسانی دیگر را در جهت خواسته‌های خود به زنجیر می‌کشد، تحقیرش می‌کند و با شکنجه آزارش می‌دهد تا او را به قبول یا انکار واقعیتی وادارد که او (شکنجه‌گر)

۵. البته نباید نادیده انگاشت که گاه شکنجه به دلیل تکیه بر اصول اعتقادی و برای اخذ اقرار از مخالفان انجام می‌شود، در حالی که تناقض منطقی بین اصول اعتقادی که علی‌الاصول بر مبنای قواعد مشخص و رعایت مسائل انسانی است با شکنجه، بسیار بدیهی است.

می خواهد. تاریخ شاهد صادق این مدعاست. اما انسانها یکی نیستند و در پیکرهای مختلف، روحهای گوناگونی جریان دارد. برخی از آنها وجدانهای آگاه زمان خود در طول تاریخ بوده اند و کوشش آنها، گرچه در بسیاری از موارد ناکام مانده است، اما در آنچه که به ثمر رسیده، امید کامیابیهای دیگری را نوید می دهد.

صرف نظر از روشنایی خیره کننده این اندیشه ها که در همه جا و با همه زیبایی می درخشند، می توان گفت که انگیزه اصلی نیروی محرکه سازمانها و مراجع ملی و بین المللی برای سرعت بخشیدن به رشد آگاهی بر ارزش انسانی، متأثر از همین اندیشه هاست؛ اما روابط پیچیده بین المللی ایجاب می کند که اندیشه های والا و معیارهای انسانی در اندام و چهارچوب کنوانسیون یا معاهدات بین المللی و یا در سازمانی جهانی و بین المللی ذرآید و منعقد شود تا اعتبار و الزام عام پیدا کند. مخالفت با شکنجه ریشه گرفته از اندیشه های بارور، به تدریج ابتکاراتی را در این زمینه فراهم آورده است تا منجر به کنوانسیون ۱۹۸۴ گردید. این ابتکارات را بخصوص سازمان عفو بین الملل، کمیسیون بین المللی حقوقدانان و کمیته بین المللی صلیب سرخ برعهده داشته اند.

به عنوان مثال، سازمان عفو بین الملل در سال ۱۹۷۳ کنفرانسی در پاریس تشکیل داد و توصیه کرد «تدابیری در زمینه تحقیق و انتشار گزارشهای مربوط به شکنجه، بازدید از بازداشتگاهها و استقلال شغلی پزشکان (برای معاینه شکنجه دیدگان) اتخاذ شود». ۶ بین سالهای

۶. کارکنفرانس که در آن ۳۰۰ کارشناس و نماینده دولتهای مختلف و سازمانهای دفاع از حقوق بشر شرکت کرده بودند، بین چهار کمیسیون تقسیم شد که مکلف به مطالعه مسائل زیر شدند:

الف. عوامل اجتماعی، انتقادی و سیاسی شکنجه.

ب. شناسایی افراد و تشکیلات مسؤول شکنجه.

ج. ابزارهای قضایی جهت مبارزه با شکنجه.

د. جنبه های طبی شکنجه.

۱۹۷۳-۱۹۸۰ سازمان عفو بین الملل در ۳۲ کشور و به نفع ۱۱۵۰ انسان که در خطر شکنجه بودند، مداخله نموده و بین سالهای ۱۹۸۰-۱۹۸۴ مبادرت به ارسال پیامهای فوری در مورد ۴۵ کشور و به نفع ۲۷۰۰ انسان کرده است.

کمیسیون بین المللی حقوقدانان و کمیته بین المللی صلیب سرخ نیز در این زمینه بسیار فعال بوده اند. با وجود این، سازمان ملل ابتدا به صورتی غیرمستقیم با مسأله شکنجه برخورد کرد. قطعنامه های مختلف سازمان ملل^۷ از سال ۱۹۴۹ حذف فوری تنبیه های بدنی را در سرزمینهای تحت قیمومت سفارش می کند. در سال ۱۹۵۵ اولین کنگره سازمان ملل به منظور پیشگیری از جرم و درمان مجرمان، اعمال حداقل مجموعه قواعدی را در زمینه درمان زندانیان قبول کرد که به وسیله شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان و طی قطعنامه مورخ ۳۱ ژوئیه ۱۹۷۵ نیز پذیرفته شد.^۸ ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر مورخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ مقرر می دارد: «هیچ کس نباید تحت شکنجه، مجازاتها یا رفتارهای وحشیانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده قرار گیرد.»

ماده ۱۰ کنوانسیون بین المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی با صراحت مقرر می دارد:

«هر شخص محروم از آزادی (زندانیان) با قواعد انسانی و با احترام به شایستگی و لیاقت وجود بشری، مراقبت می شود.»

در کنوانسیونهای مختلف منطقه ای نیز مسأله شکنجه عنوان شده^۹

۷. به عنوان مثال قطعنامه ۱۷ ۳۲۳ مورخ ۱۵/۱۱/۱۹۴۹، ۷ ۴۴۰ مورخ ۲/۹/۱۹۵۰ و ۷ ۵۹۲ مورخ ۱۸/۱/۱۹۵۲ مجمع عمومی.

۸. قطعنامه XXIV، ۶۶۳.

۹. به عنوان مثال نگاه کنید به کنوانسیون اروپایی صیانت از حقوق انسانی و آزادیهای اساسی مورخ ۴ نوامبر ۱۹۵۰ (ماده ۳۰) یا پیمان آفریقایی حقوق بشر و بشردوستانه و انسانی که به وسیله دولتهای عضو «O.U.A.» در ژوئن ۱۹۸۱ قبول شده است (ماده ۵).

و در قوانین اساسی کشورهای گوناگون هم به ممنوعیت شکنجه اشاره گردیده است.^{۱۰}

۴. اما مسأله شکنجه از سال ۱۹۷۳ جزو مسائل روز سازمان ملل قرار می‌گیرد. مجمع عمومی سازمان از پنجمین کنگره ملل متحد برای پیشگیری از جرم و درمان مجرمان (منعقد در تورنتو، کانادا در سال ۱۹۷۵) درخواست کرد که فوراً قواعد اخلاقی مربوط به پلیس و دیگر بخشهای اجراکننده قانون را بررسی کرده، به هنگام تدوین قواعد مربوط به درمان بزهکاران، مقرراتی نیز برای حمایت از کلیه افرادی که به هر ترتیب در بازداشت بسر می‌برند یا زندانی هستند، در قبال شکنجه و دیگر مجازاتها یا رفتارهای وحشیانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده تدوین کند.^{۱۱}

کنگره بعداً طرحی را مبنی بر حمایت از کلیه افراد در مقابل شکنجه و دیگر مجازاتهای وحشیانه، غیرانسانی یا تحقیرکننده به مجمع عمومی پیشنهاد کرد. مجمع عمومی سازمان ملل طرح مزبور را طی قطعنامه‌ای تأیید کرد.^{۱۲} این قطعنامه مشتمل بر اعلامیه‌ای دوازده ماده‌ای است که شکنجه را تعریف می‌کند، آن را محکوم می‌سازد و اعمال آن را نیز ممنوع می‌دارد. همین قطعنامه است که در واقع ابزار و مبنای اساسی کنوانسیون ۱۹۸۴ می‌گردد؛ چرا که مجمع عمومی طبق قطعنامه دیگری^{۱۳} کمیسیون حقوق بشر را مکلف به تدوین طرح کنوانسیون در زمینه شکنجه با توجه به همین قطعنامه دوازده ماده‌ای می‌نماید. کمیسیون حقوق بشر نیز طی قطعنامه ۱۹۸۴/۲۱ مورخ ۶ مارس ۱۹۸۴ و از طریق

۱۰. نگاه کنید به اصل ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۱۱. قطعنامه XXIX ۳۲۱۸ مجمع عمومی مورخ ۶ نوامبر ۱۹۷۴.

۱۲. قطعنامه XXX ۳۴۵۲ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۷۵.

۱۳. قطعنامه ۳۲/۶۲ مورخ ۸ دسامبر ۱۹۷۷.

شورای اقتصادی و اجتماعی، طرح کنوانسیون را به مجمع عمومی تقدیم می‌کند که در ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ تصویب می‌شود.



کنوانسیون ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ در مورد منع شکنجه و دیگر مجازاتها یا رفتار وحشیانه، غیرانسانی یا تحقیر کننده

۵. در مقدمه کنوانسیون چنین آمده است:

«دولتهای عضو کنوانسیون حاضر،

با عنایت به اینکه طبق اصول اعلام شده در اساسنامه سازمان ملل، شناسایی حقوق برابر و خدشه‌ناپذیر کلیه اعضای خانواده انسانی، پایه و اساس آزادی، عدالت و صلح در همه عالم است، با علم به این مطلب که این حقوق ناشی از شایستگی و لیاقت وابسته به شخصیت انسانی است،

با عنایت به اینکه دولتها به موجب اساسنامه و بخصوص ماده ۵۵ موظف به اقدام جهانی و قاطع [جهت حفظ] حقوق انسانی و آزادیهای اساسی هستند،

با در نظر گرفتن ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۷ پیمان بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی که هر دو مقرر می‌دارد هیچ کس را نمی‌توان تحت شکنجه و مجازات یا رفتار وحشیانه غیرانسانی یا تحقیر کننده قرار داد،

همچنین با در نظر گرفتن اعلامیه مصوب مجمع عمومی ۹ دسامبر ۱۹۷۵ در مورد حمایت از کلیه افراد در قبال شکنجه، مجازات یا رفتار غیرانسانی یا تحقیر کننده،

با تمایل به افزایش تأثیر مبارزه با شکنجه در همه عالم،

نسبت به مسائل زیر توافق حاصل می‌کنند...»

الف. تعریف شکنجه

۶. ماده ۱ کنوانسیون، «شکنجه» را تعریف می‌کند و اقداماتی را که از دایره شمول تعریف شکنجه خروج موضوعی دارد، مشخص می‌سازد.

۷. طبق صدر ماده ۱، واژه «شکنجه» معرف هرگونه عملی است که به واسطه آن رنج یا مرارتهای شدید، اعم از جسمی یا روانی، بر شخص وارد کنند. این رنج و مرارت، بخصوص به منظور آن است که از او یا شخص ثالث اطلاعات یا اقرارهایی اخذ کنند تا بتوانند آن شخص و یا ثالث را به واسطه عملی که انجام داده و یا مظنون به ارتکاب آن است مجازات نمایند یا او را بترسانند یا تحت فشار قرار دهند و یا شخص ثالثی را بترسانند و فشار بر او وارد کنند.

برای شمول تعریف کنوانسیون نسبت به شکنجه لازم است که این رنج و مرارت به منظور اخذ اقرار و اطلاعات، توسط عوامل حکومتی یا اشخاص رسمی انجام شود، واجد عنصر عمد باشد و نیز عنوان مجازات نداشته باشد. قسمت اخیر بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون این مسأله را به صراحت قید می‌کند:

«واژه شکنجه بر رنج یا مرارتهایی که منحصرأ از مجازاتهای قانونی ناشی می‌شود و یا در ارتباط با این مجازاتهاست و یا به واسطه این مجازاتها حادث شده است، تسری نمی‌یابد.»

برای جلوگیری از محدود ساختن دولتها به تعریفی که ذکر شد، بند ۲ ماده ۱ مقرر می‌دارد که این ماده به مقررات بین‌المللی یا قوانین داخلی که محدوده وسیع‌تری از شکنجه را در نظر می‌گیرد خدشه‌ای وارد نمی‌سازد. این مسأله منطقی است، زیرا هر قدر تعریف شکنجه به عنوان ابزار قدرت دولتها وسیع‌تر باشد، امکان استفاده از آن به دلایل ملی و

بین المللی کمتر است. هر عملی، هر قدر هم که از نظر شکنجه گفتگان بی مقدار باشد، اگر در دایره تعریف شکنجه قرار گیرد، ممنوعیت آن مسلم تر و قبح آن بیشتر است.

ب. وظایف دولتها

یک. اتخاذ تدابیر لازم

۸. چون با تعریفی که ذکر شد شکنجه اصولاً توسط اشخاص رسمی و یا عمال دولتی اعمال می شود، لذا دولتهای عضو کنوانسیون تکالیف متعددی در این زمینه برعهده دارند. مواد ۲ الی ۱۶ کنوانسیون مسائل مختلفی را که دولتها در این زمینه باید مراعات کنند معین کرده است. لازم به یادآوری است که تکالیف دولتها در صورت عدم اجرای آنها فاقد ضمانت اجرای دقیق و موثر است؛ اما چون معمولاً امضاکنندگان کنوانسیونهای بین المللی سعی می کنند حتی المقدور چهره ای آزادمنش و عادل از خود نشان دهند، لذا می توان از نوعی تعهد اخلاقی دولتها برای اجرای این کنوانسیون نام برد.

طبق ماده ۲ کنوانسیون مذکور هر دولت عضو، تدابیر قانونگذاری، اداری، قضایی و دیگر اقدامات موثر برای جلوگیری از شکنجه در سراسر سرزمین تحت اقتدار محاکم خود را اتخاذ می کند (بند ۱)؛ هیچ گونه شرایط استثنایی، از هر قبیل که باشد چون جنگ یا تهدید به جنگ، عدم ثبات سیاسی داخلی و یا هر حالت استثنایی دیگر، توجیه کننده شکنجه نیست (بند ۲)؛ همچنین امر مافوق یا یک قدرت دولتی نمی تواند مستند توجیه شکنجه باشد (بند ۳).

دو. جرم شناختن شکنجه

۹. پاسداری از قوانین و صیانت آنها به عهده قانون مجازات است، و لذا طبیعی است که هر نوع شکنجه را مراجع قانونگذاری کشورها در قوانین داخلی خود منع کنند و آن را شدیداً مجازات نمایند. اما صرف اینکه شکنجه تقبیح گردد کافی نیست. ماده ۴ (بند ۱) کنوانسیون از طرفی جرم بودن شکنجه را طبق قوانین داخلی توصیه می نماید و از سوی دیگر به مجازات آن اشاره می کند:

«هر کشور عضو، مراقبت می کند که هرگونه عملیات شکنجه از نظر حقوق جزای آن کشور جرم تلقی شود و حتی شروع به عملیات شکنجه و معاونت و شرکت در شکنجه نیز مشمول همین حکم گردد.»

در مورد مجازات، هر کشور عضو کنوانسیون، برای این جرایم مجازاتهای مناسبی وضع خواهد کرد، بطوریکه بین جرم و مجازات، برحسب شدت جرایم، تناسب لازم برقرار شود (بند ۲ ماده ۴ کنوانسیون مذکور).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم. صلاحیت

۱۰. هر دولت عضو با توجه به آنچه گفته شد، یعنی لزوم جرم شناختن عمل شکنجه در قوانین داخلی کشور، دارای صلاحیت رسیدگی به جرم انجام یافته (شکنجه) نیز می باشد. این صلاحیت عبارت است از صلاحیت محلی و صلاحیت شخصی. در قسمت اخیر می توان از صلاحیت وابسته به فاعل جرم و صلاحیت وابسته به زیان دیده از جرم نام برد.

علی الاصول وقتی جرمی در سرزمین کشوری واقع می شود، دادگاه های آن کشور صلاحیت رسیدگی به آن جرم را دارند. بدین لحاظ ماده ۵ کنوانسیون (بند ۱) صلاحیت محاکم آن دولت را در موارد زیر می پذیرد:

الف. وقتی که جرم در سرزمین دولتی که رسیدگی در محدوده محاکم آن دولت انجام می شود، واقع شده و یا در هواپیما و یا کشتی ثبت شده و متعلق به این دولت واقع گردیده است.

ب. وقتی که مباشر فرعی جرم، تبعه این دولت باشد.

ج. وقتی که زیان دیده از جرم، تبعه دولت یاد شده باشد.

چهار. تشریفات رسیدگی قضایی

۱۱. هر دولت عضو که در قلمرو آن، شخص مظنون به ارتکاب جرایم مذکور در ماده ۴ کنوانسیون یافت گردد، اگر پس از بررسی اطلاعاتی که در اختیار دارد مقتضیات را کافی تشخیص دهد، توقیف مظنون را تضمین می کند یا کلیه اقدامات ضروری را برای تضمین حضور او نزد مراجع صالح برای رسیدگی به عمل می آورد. این توقیف و این اقدامات باید منطبق و در چهارچوب موازین قانونگذاری آن دولت باشد. ضمناً دولتهای عضو بلافاصله مبادرت به بازجویی مقدماتی به منظور ثبت و ضبط وقایع و اعمال انجام شده می نمایند (بند ۲ ماده ۶). هر شخص توقیف شده می تواند بلافاصله با نزدیکترین نماینده صلاحیت دار دولتی که تابعیت آن را دارد، تماس برقرار کند. در صورتی که شخص فاقد تابعیت (آپارتاید) باشد، این تماس با نماینده دولتی که شخص مذکور عادة در آنجا اقامت دارد، برقرار خواهد شد. دولتی که طبق این مقررات شخصی را توقیف می کند، بلافاصله وقوع توقیف و مقتضیاتی را که موجب آن شده است، به دولتهای مندرج در بند ۱ ماده ۵ اطلاع می دهد.

دولتی که مبادرت به بازجویی مقدماتی مندرج در بند ۲ ماده ۶ می‌کند، سریعاً نتایج امر را به دولتهای یاد شده ابلاغ می‌نماید و به آنها اطلاع می‌دهد که طبق صلاحیت خود اقدام نموده است (بند ۴ ماده ۶).

ب. پنج. مسأله استرداد

۱۲. با توجه به اینکه دولتها در مورد جرایم واقع شده در قلمرو خود، اعم از جرایم عمومی یا سیاسی، حساسیت خاصی دارند و به هنگام گریز برخی از مجرمان به کشورهای دیگر درصدد استرداد آنها برمی‌آیند، و از طرفی این هراس وجود دارد که مجرمان پس از استرداد به کشور مربوط دستخوش شکنجه شوند، لذا ماده ۳ کنوانسیون بر این موضوع تأکید کرده است که چنانچه دلایل جدی در مورد وجود خطر شکنجه نسبت به استردادشوندگان احساس شود، اخراج مجرم و یا استرداد او انجام نگیرد. روشن است که با توجه به بُعد مسافت بین کشورهای مختلف و یا وجود انگیزه‌های سیاسی، ممکن است دولتی که باید مجرم را مسترد دارد از این مسأله سوء استفاده کند و از استرداد مجرم امتناع ورزد. بند ۲ ماده ۳ کنوانسیون به نحوی کلی با این مسأله برخورد کرده است. طبق این بند «برای احراز وجود خطر شکنجه، مقامات صلاحیت‌دار دولتی که می‌خواهد مجرم را مسترد و یا اخراج کند، کلیه ملاحظات مناسب را مورد توجه قرار خواهند داد. به‌عنوان مثال، در صورت اقتضا، به این موضوع توجه خواهند کرد که آیا دولت مزبور (درخواست‌کننده استرداد) به‌طور منظم به مجموعه اعمالی که تجاوز منظم، مشهود و همه‌جانبه به حقوق انسانی به‌شمار می‌رود دست یازیده است یا خیر؟»

همان‌طور که اشاره شد این ماده به ظاهر جذاب، در عمل ممکن است مشکلات فراوانی ایجاد کند؛ چرا که دولتها از نظر اعمال قدرت و

حاکمیت در سطح بین‌المللی برابرند و لذا مشکل است که دولتی بتواند به وجود این انگیزه‌ها در دولت دیگر اطلاع پیدا کند یا به آنها دست یابد. البته عبارت «مقامات صلاحیت‌دار» در بند ۲ ماده ۳ به صورتی عام به کار رفته است و هر چند منطوق این بند مقامات کشور مورد تقاضای استرداد را مورد خطاب قرار می‌دهد، ولی به عقیده ما با تفسیر موسع آن و نیز با توجه به مفهوم واقعی این بند، بهتر است حتی تشخیص این مسأله که آیا دولت تقاضا کننده استرداد عاده به اعمالی که تجاوز مسلم و مشهود به حقوق انسانی تلقی می‌شود دست می‌زند یا خیر، به سازمانهای بین‌المللی که منصفانه‌تر با قضیه برخورد می‌کنند احواله شود.

در صورتی که دولت مورد تقاضای استرداد - به دلایلی که ذکر شد - با این امر (استرداد) موافقت نکند، مسأله را به مراجع صلاحیت‌دار خود جهت تعقیب جزایی ارجاع خواهد کرد. ۱۴ این مراجع تصمیماتشان را در همان شرایطی که برای هر جرم حقوق عمومی، با عنایت به خصیصه دقیق آن وجود دارد، اتخاذ می‌کنند. قواعد و تشریفات رسیدگی و جمع‌آوری ادله در کلیه موارد با دقت و شدت اجرا خواهد شد و رفتارهای منصفانه در هر مرحله از تحقیق، تضمین خواهد گردید (بندهای ۲ و ۳ ماده ۷ کنوانسیون). *نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

جرایم مورد نظر در ماده ۴ کنوانسیون مورد بحث، بدون تشریفات و خودبه‌خود در کلیه کنوانسیونهای استرداد منعقد بین دول عضو وجود دارد؛ معذک دولتهای عضو کنوانسیون ۱۹۸۴ منع شکنجه متعهد می‌شوند که این گونه جرایم را در هر کنوانسیون استرداد که بین آنها منعقد شده است نیز بگنجانند.

چنانچه یک دولت عضو کنوانسیون فوق که استرداد مجرمان را

۱۴. رک. به بند ۱ ماده ۷ کنوانسیون ۱۹۸۴ مورد بحث، البته مشروط بر آنکه موضوع منطبق با ماده ۵ کنوانسیون باشد. رک. به بحث صلاحیت در همین مقاله.

موکول به وجود کنوانسیون جداگانه استرداد می‌داند، مواجه با درخواست استرداد توسط دولت دیگر عضو بشود - در حالی که با او عهدنامه استرداد ندارد - در این صورت می‌تواند کنوانسیون ۱۹۸۴ را به عنوان توجیه کننده و مبنای قضایی استرداد در مورد جرایم فوق‌الذکر قرار دهد، اما به هر حال، استرداد تابع شرایط پیش‌بینی شده در حقوق کشور متقاضی استرداد است (بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون).

دولتهای عضوی که استرداد مجرم را موکول به وجود عهدنامه نمی‌دانند، این جرایم را به عنوان موارد استرداد بین خودشان - مطابق با شرایط پیش‌بینی شده در حقوق کشور متقاضی استرداد - می‌شناسند (بند ۳ ماده ۸).

ج. مراقبت دولتها در زمینه اجرای دقیق کنوانسیون ۱۹۸۴

۱۳. در زمینه دقت و مراقبت در اجرای کنوانسیون، دولتهای عضو مکلف شده‌اند که در اجرای آن با یکدیگر مساعدت کنند، تشریفات رسیدگی به جرایم را مرعی دارند، حقوق زیان‌دیدگان از جرم را رعایت نمایند و آموزشهای لازم را در این زمینه به مأموران خود بدهند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جان سوم آسانی
یک. مساعدت قضایی

۱۴. دولتهای عضو کنوانسیون بر مساعدت قضایی وسیع بین خود برای اجرای کلیه تشریفات رسیدگی به جرایم یاد شده اتفاق نظر دارند. به عنوان مثال، موافقت و تعهد می‌نمایند که ادله وقوع جرم که برای رسیدگی ضروری است، ابلاغ گردد (بند ۲ ماده ۹)؛ اما در صورتی که کنوانسیونهای خاصی در مورد معاضدت قضایی بین دولتها منعقد شده باشد، این تعهد لازم‌الاجراء نخواهد بود (همان بند ۲).

دو. ضمانت تشریفات رسیدگی

۱۵. هر دولت عضو باید به طور منظم مراقبت کند که در قلمرو او به هنگام تحقیقات، بازجوییها، بازداشتها و رفتار در قبال افراد توقیف شده یا زندانی، از هرگونه شکنجه ای اجتناب شود (ماده ۱۱ کنوانسیون)؛ همچنین باید مراقبت کند که مقامات صلاحیت دار فوراً و هر بار که انگیزه ها و نشانه های منطقی مبنی بر اعمال شکنجه در قلمرو صلاحیت محاکم آن دولت ایجاد شود، به تحقیق بیطرفانه درخصوص مورد مبادرت نمایند (ماده ۱۲ کنوانسیون).

سه. حقوق زیان دیده از جرم

۱۶. هر دولت عضو، برای هر فردی که مدعی شکنجه شدن در قلمرو تحت صلاحیت محاکم آن دولت گردد، حق شکایت در مراجع صالح خود را تضمین می کند که فوراً و بیطرفانه به بررسی شکایت او پردازند و تدابیر ضروری برای تضمین حمایت از شاکی و شهود او در مقابل هرگونه رفتار ناخوشایند یا هر نوع تهدیدی که به دلیل طرح شکایت یا ادای شهادت صورت گیرد، به عمل آورد (ماده ۱۳ کنوانسیون).

چون جبران خسارت نیز ضروری است، لذا هر دولت عضو در نظام حقوقی خود برای مجنی علیه هر فعل مبتنی بر شکنجه، حق ترمیم و جبران خسارت به نحو منصفانه و مناسب را تضمین می کند، که به کارگیری وسایل ضروری برای بازگشت زیان دیده به موقعیت اول به نحو ممکن، از آن جمله است. در صورت مرگ مجنی علیه در اثر شکنجه، ورثه او حق تقاضای جبران خسارت دارند (بند ۱ ماده ۱۴).

مع الوصف این ماده مانعی برای حقوق مجنی علیه که طبق قانون داخلی کشور خود حق به جبران خسارت را دارد، ایجاد نمی‌کند.

چهار. آموزشهای لازم

۱۷. چون برای بسیاری از افراد شاغل در دستگاه‌های دولتی تعریف و نوع و ماهیت شکنجه و ممنوعیت آن مبهم است، لذا کنوانسیون در ماده ۱۰ خود ضرورت آموزش این افراد را پیش بینی کرده و دولتهای عضو را مکلف به مراقبت در این آموزش نموده است. طبق این ماده کلیه اشخاص و کارمندان نظامی یا غیرنظامی که مسؤول اجرای قانون هستند و همچنین وابستگان به حرفه پزشکی و عوامل دولتی و دیگر افرادی که در تحت نظر قرار دادن افراد و بازجویی از آنها مشارکت و دخالت دارند و یا به مناسبت شغلشان، مراقبت از بازداشت شدگان، زندانیان و یا محکومان برعهده آنهاست، باید اطلاعات و آگاهیهای لازم را در مورد ممنوعیت شکنجه داشته باشند و هر دولتی مکلف است بر این آموزش مراقبت کند. (بند ۱ ماده ۱۵).

این ماده از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است، زیرا همان طور که قبلاً اشاره کردیم - گاه به نظر برخی از افراد، شکنجه به عنوان ابزار قدرت، مشروع جلوه می‌کند و به ممنوعیت آن توجه نمی‌کنند. این آموزش اولاً برای یادآوری این نکته است که شکنجه در هر حال، هر زمان و هر مکان و به هر صورتی که اتفاق افتد، ممنوع است، و ثانیاً با وجود این آموزش و آگاهی ناشی از آن، توسل به جهل نسبت به ممنوعیت شکنجه، پذیرفته نخواهد بود و افرادی که مبادرت به این کار کرده باشند، شدیداً و طبق قانون داخلی هر کشور عضو کنوانسیون، قابل مجازات خواهند بود.

برای تأیید این مسأله، بند ۲ ماده ۱۵ کنوانسیون حتی پیش بینی

می‌کند که هر کشور عضو چنین ممنوعیتی را در شرح وظایف مأموران خود خواهد گنجانید تا مجوزی برای ناآگاهی و توسل به جهل به قانون پیش نیاید.

د. تشکیل کمیته ضد شکنجه

۱۸. برای بررسی وقوع شکنجه و اثبات آن، وجود یک کمیته ضد شکنجه ضروری است که تشکیلات و وظایف این کمیته را مواد ۱۷ به بعد کنوانسیون روشن ساخته است.

یک. تشکیلات

۱۹. کمیته ضد شکنجه از ده کارشناس متخصص و دارای وجدان اخلاقی متعالی که در زمینه حقوق بشر شهرت داشته باشند، تشکیل خواهد شد. انتخاب این کارشناسان توسط دولتهای عضو با توجه به شرایط پیش بینی شده در ماده ۱۷ کنوانسیون به عمل خواهد آمد. هر دولت می‌تواند کاندیداها یا نمایندگان از میان اتباع خود معرفی نماید و دولتها در این انتخاب مراقبت می‌کنند که کاندیداهایی را معرفی نمایند که عضو کمیته حقوق بشر که به موجب پیمان مربوط به حقوق مدنی و سیاسی تشکیل شده است، باشند.

اولین انتخاب برای تعیین اعضای این گروه حداکثر شش ماه پس از تاریخ اعتبار کنوانسیون خواهد بود. اعضای کمیته برای چهار سال انتخاب می‌شوند و در صورتی که مجدداً نیز کاندیدا و معرفی شوند، قابل انتخاب خواهند بود. کمیته خود مقررات داخلی خویش را تنظیم می‌کند و تصمیمات اعضای کمیته با اکثریت مطلق اعضا معتبر خواهد بود. وسایل و تجهیزات مادی و کارکنان لازم را دبیرکل سازمان ملل در اختیار کمیته قرار می‌دهد. جلسات کمیته به هنگامی که موضوع عبارت از

اطلاعیه‌های مندرج در ماده ۲۱ کنوانسیون باشد^{۱۵} مخفی خواهد بود.

دو. وظایف

۲۰. چنانچه کمیته رأساً اطلاعات معتبری مبنی بر اعمال شکنجه در قلمرو یک دولت عضو دریافت کند، دولت مورد نظر را برای همکاری و بررسی اطلاعات دعوت می‌کند (بند ۱ ماده ۲۰) و او را در جریان امر قرار می‌دهد. چنانچه کمیته با توجه به اطلاعات رسیده، به احتمال اعمال شکنجه متقاعد شود، یک یا چند تن از اعضای خود را مأمور انجام تحقیقات محرمانه و ارائه یک گزارش فوری می‌نماید (بند ۲ ماده ۲۰). حتی کمیته می‌تواند با جلب نظر دولت ذینفع، تحقیقات را تا مرحله بازدید از کشور مورد اتهام در اعمال شکنجه پیش برد. پس از بررسی گزارش عضو یا اعضای رسیدگی کننده، کمیته این گزارش را با کلیه تفسیرها و یا پیشنهاداتی که مناسب تشخیص دهد، نزد دولت ذینفع می‌فرستد (بند ۴ ماده ۲۰).

کلیه تحقیقات کمیته محرمانه صورت می‌گیرد و کمیته در تمام موارد می‌کوشد تا همکاری کشورها را جلب نماید. به محض پایان یافتن این تحقیقات، نتایج کار در گزارش سالانه اعلام خواهد شد. این گزارش را کمیته هر سال به دولتهای عضو و به مجمع عمومی سازمان ملل در مورد فعالیتهایی که در زمینه کنوانسیون به عمل آورده است، تقدیم خواهد کرد (بند ۵ ماده ۲۰ و نیز ماده ۲۴ کنوانسیون).

آنچه ضروری است یادآوری شود این است که چنانچه کمیته در بررسی اطلاعات به دست آمده رأساً اقدام کند، رعایت تشریفات ماده ۲۰ آنچنان که گفته شد، ضروری است؛ اما چنانچه هر یک از دولتهای عضو، اعمال شکنجه توسط دولت دیگری را اعلام نماید، در این

۱۵. رک. به شماره ۲۰ این مقاله.

صورت، مقررات ماده ۲۱ حاکم خواهد بود که وظایف دیگری را پیش بینی می‌کند. به عبارت دیگر، در این گونه موارد صلاحیت کمیته برای رسیدگی به موضوع، موکول به قبول قبلی آن توسط دولت‌های عضو می‌باشد. در غیر این صورت (عدم پذیرش صلاحیت کمیته)، حق رسیدگی و تحقیق در موضوع را نخواهد داشت.

طبق بند ۱ ماده ۲۱ هر دولت عضو کنوانسیون در هر لحظه‌ای می‌تواند صلاحیت کمیته را برای دریافت و بررسی و اطلاعات و اطلاعاتی که طی آنها یک دولت عضو مدعی شده که دولت دیگر عضو از تعهدات کنوانسیون حاضر تخلف کرده است، بپذیرد و بررسی کند. اطلاعات مبنی بر تخلف یک دولت عضو از کنوانسیون وقتی قابل پذیرش است که توسط دولت عضوی مطرح شده باشد که خود او اعلامیه‌ای مبنی بر پذیرش صلاحیت کمیته صادر کرده است. کمیته هیچ اعلام تخلفی را از دولت عضوی که چنین شناسایی را به عمل نیاورده باشد، نخواهد پذیرفت. تشریفات رسیدگی به اطلاعات مبنی بر تخلف یک دولت عضو از کنوانسیون که به کمیته رسیده، به شرحی است که بندهای مختلف ماده ۲۱ قید کرده است (بندهای A تا J ماده ۲۱) و اجمال آن به شرح زیر می‌باشد:

(۱) اگر یک دولت عضو کنوانسیون تشخیص دهد که دولت دیگر عضو، مقررات کنوانسیون را اجرا نمی‌کند، می‌تواند به وسیله اطلاعیه کتبی توجه دولت اخیر را به مسأله جلب نماید. دولت دریافت کننده از تاریخ دریافت این اعلامیه تا سه ماه به دولت اعلام کننده توضیحات کتبی که روشنگر مسأله باشد، خواهد داد. این توضیحات جاوی اطلاعات ممکن و مفید در مورد قواعد رسیدگی و طرق تجدید نظر خواهد بود، خواه از این قواعد و طرق تا آن تاریخ استفاده شده باشد خواه نه (بند A ماده ۲۱).

(۲) چنانچه ظرف مدت شش ماه از تاریخ اطلاعیه کتبی توسط

دولت گیرنده، مسأله با رضایت دولتین عضو ذینفع حل نشود، هر یک از آنها حق ارجاع امر به کمیته را دارد، که در این صورت، مراتب را به کمیته و به دولت ذینفع اعلام می‌کند (بند B ماده ۲۱).

(۳) کمیته پس از اطمینان به اینکه کلیه طرق داخلی قابل اجرا که طبق اصول حقوق بین الملل شناخته شده، مورد استفاده قرار گرفته و یا موعد استفاده از آنها منقضی شده است، موضوع را بررسی می‌کند. این قاعده در مواردی که تشریفات تجدید نظر از مهلهای منطقی تجاوز می‌کند و یا در مواردی که به احتمال ضعیف خود شخص زیان دیده راضی بر این تشریفات است، اجرا نمی‌شود (بند C ماده ۲۱).

(۴) با رعایت آنچه در بالا ذکر شد کمیته، خدماتی را در اختیار دولتهای عضو ذینفع به منظور حصول به یک راه حل دوستانه نسبت به موضوع برپایه احترام به تعهدات ناشی از کنوانسیون قرار می‌دهد. بدین منظور، کمیته می‌تواند در صورت اقتضا کمیسیون سازشی خاص را تشکیل دهد (بند E ماده ۲۱).

(۵) در کلیه مسائلی که طبق ماده ۲۱ به کمیته ارجاع می‌شود، کمیته حق دارد از دولتهای ذینفع مندرج در بند «B» بخواهد تا کلیه اطلاعات مناسب را برای عرضه به کمیته تهیه کنند (بند F ماده ۲۱).

(۶) دولتهای عضو ذینفع مذکور در بند «B» حق دارند هنگام بررسی موضوع توسط کمیته، در جلسات آن حضور یابند و ملاحظات کتبی یا شفاهی خود را ارائه دهند (بند G ماده ۲۱).

(۷) کمیته باید در یک مهلت دوازده ماهه که از روز ابلاغ مذکور در بند «B» شروع می‌شود، گزارش خود را ارائه دهد (بند H ماده ۲۱).

(۸) اگر راه حلی منطبق با مقرارت بند «E» پیدا شود، کمیته در گزارش خود به بیان کوتاهی از وقایع و راه‌های حل قضیه می‌پردازد

(بند I ماده ۲۱).

(۹) اگر راه حلی منطبق با مقررات بند «E» پیدا نشود، کمیته به یک گزارش وقایع اکتفا می‌کند، که متن نظرات و ملاحظات کتبی و صورتجلسه‌های شفاهی دولتهای ذینفع نیز به این گزارش الحاق می‌گردد (بند J ماده ۲۱).

در هر مورد، گزارش به دولتهای ذینفع ابلاغ می‌شود.

سه. اشخاص حقیقی

۲۱. صرف نظر از دولتها امکان اینکه اشخاص حقیقی بتوانند به تجاوز و تخلف دولتها از مقررات کنوانسیون اعتراض کنند، وجود دارد. به موجب ماده ۲۲ کنوانسیون، هر دولت عضو می‌تواند در هر برهه از زمان، صلاحیت کمیته را برای دریافت و بررسی اطلاعاتی که به وسیله یا از طرف اشخاص حقیقی که در محدوده صلاحیت قضایی او ارائه می‌گردد، و طی این اطلاعاتی مدعی تحمل زیانهای ناشی از هرگونه تجاوز دولتهای عضو از مقررات کنوانسیون شده‌اند، مورد پذیرش قرار دهد. کمیته هیچ گونه اطلاعاتی را مربوط به یک دولت عضو را که قبلاً صلاحیت کمیته برای چنین مواردی را قبول نکرده باشد، نخواهد پذیرفت و در نتیجه آن را مورد رسیدگی قرار نخواهد داد (ماده ۲۲).

بندهای ۲ تا ۸ ماده ۲۳ نیز مانند ماده ۲۱ شرایط اعمال این مقررات را روشن کرده است. به موجب بند ۲ ماده مزبور، کمیته هرگونه اطلاعاتی بی امضاء را مردود می‌شمارد. همچنین است اگر کمیته آن را نوعی سوءاستفاده از حق تسلیم چنین اطلاعاتی قلمداد کند. در صورتی که این اطلاعاتی با کنوانسیون حاضر باشد نیز کمیته آن را غیرقابل پذیرش اعلام می‌کند.

کمیته با عنایت به مسأله بالا و بند ۱ ماده ۲۳ موارد اعلام شده را به دولت ذینفع اطلاع می دهد. دولت اخیر باید ظرف شش ماه توضیحات لازم را بدهد و تدابیری را که برای جبران یا ترمیم مسائل عنوان شده اتخاذ کرده است، اعلام کند (بند ۳ ماده ۲۲).

کمیته کلیه اطلاعیه های دریافتی را که توسط اشخاص حقوقی و یا دولت عضو ذینفع تسلیم شده است، بررسی می کند و در عین حال به این مسأله توجه دارد که اطلاعیه هایی را که فاقد شرایط لازم هستند نپذیرد. جلسات کمیته در مورد اعمال ماده ۲۲ غیرعلنی است و کمیته نظرات خود را به دولتهای ذینفع ابلاغ می کند (بندهای ۴-۷ ماده ۲۲).

چهار. امتیازات و مصونیتها

۲۲. اعضای کمیته و اعضای کمیسیونهای سازش که طبق مقررات پیشین منصوب شده اند، از تسهیلات، امتیازها و مصونیتهایی که برای کارشناسان سازمان ملل مقرر گردیده است بهره مند می شوند (ماده ۲۳ کنوانسیون).

پنج. گزارش سالانه

۲۳. کمیته طی گزارشی که هر ساله منتشر می کند، کشورهای عضو مجمع عمومی سازمان ملل را در جریان فعالیتهایی که به موجب این کنوانسیون انجام داده است، قرار خواهد داد (ماده ۲۴).

شش. تشریفات تنفیذ و الحاق به کنوانسیون

۲۴. مواد ۲۵-۳۲ کنوانسیون، تشریفات تنفیذ کنوانسیون و شرایط الحاق و اعتبار آن و همچنین اصلاحاتی را که توسط کشورهای

عضو پیشنهاد می شود، مورد توجه قرار داده و دبیرکل سازمان ملل را
مسئول ابلاغ این شرایط دانسته است.

هفت. زبان کنوانسیون

۲۵. کنوانسیون به شش زبان انگلیسی، عربی، چینی،
اسپانیایی، فرانسوی و روسی تهیه شده است که از اعتبار واحد
برخوردارند. دبیرکل یک رونوشت تصدیق شده را برای هر یک از
کشورهای عضو ارسال می دارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی